

جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)
دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۲ و ۱۳ بهار و تابستان ۱۳۸۶

سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران

دکتر محمد تقی رهنمایی^۱، دکتر رحمت اله فرهودی^۱،
دکتر محمد باقر قالبیاف^۱، حلیمه خاتون هادی پور^۲

چکیده

محله های شهری را می توان کوچکترین واحدهای کالبدی و اجتماعی و حتی قومی در بدنه سنتی شهرهای ایران به شمار آورد. بدون توجه به تعاریف لغوی و مفهومی آن، محله ها مرزبندی فیزیکی مشخص ندارند، لیکن از نظر عملکردی و مشارکت در عرصه های فرهنگی و اجتماعی شهرها، محدوده آنها، حداقل برای ساکنین هر محله مشخص بوده است. جدای از هر گونه ضوابط مرزبندی میان محله ها، توجه به اهمیت این نوع از جدایی گزینی در بدنه شهرهای ایران، بویژه در دوره شتابان شهرنشینی و گسستگی نظام تعاملی بین اجزای بدنه شهرها، از دید مدیریت شهری و باززنده سازی قدرت عملکردی محله ها شایان توجه زیادی است.

« محله های شهری » از جمله عرصه هایی هستند که به شدت از شهرنشینی شتابان متأثر گردیده و در این روند تحولات ساختاری و عملکردی زیادی پذیرفته اند. این مقاله بر آن است تا ضمن مرور پیشینه نظام محله ای در ایران و علل شکل گیری آن، سیر تحول " محله های شهری " را به لحاظ ساختاری، عملکردی بررسی نماید.

در این بررسی « گسترش شهرنشینی شتابان » بعنوان عاملی مؤثر و مهم در تحولات ساختاری و عملکردی « محله » خصوصاً در چند دهه اخیر مطرح می شود.

واژگان کلیدی: محله های شهری، نظام محله ای، شهرنشینی شتابان، تحول ساختاری، تحول عملکردی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

مقدمه

روند رو به رشد شهرنشینی و گسترش سریع شهرها در چند دهه اخیر این اندیشه را قوت بخشیده که شهر و مؤلفه های مربوط به آن جزء لاینفک زندگی بشر امروزی است. گسترش شهرنشینی در جهان در چنان ابعادی است که حتی اگر بخواهیم هم نمی توانیم مانع گسترش یا نفی این سبک زیستن باشیم. طبق یک پیش بینی، در سال ۲۰۱۵ میلادی، ۳۳ کلان شهر ۸ میلیون نفری، در جهان خواهیم داشت که از این تعداد، ۲۸ شهر در کشورهای در حال توسعه خواهند بود. (A. Kreimer & et al -2003- p:103). گسترش شهرنشینی که همزمان با انقلاب صنعتی آغاز شد، در ابتدا پیچیدگی های امروزی را نداشته و روند گسترش آن نیز بسیار کندتر از روند امروزی آن بوده است. همانطور که اشاره شد این جریان در کشورهای در حال توسعه شدت بسیار بیشتری نسبت به کشورهای توسعه یافته دارد. علیرغم اینکه گسترش شهرنشینی آثار مثبت بسیاری همچون ایجاد بسترهای مناسب برای برخورداری از رفاه و توسعه اقتصادی، ایجاد فرصت های اشتغال، آزادی عمل در انتخاب شیوه های مختلف زندگی، بهبود استانداردهای بهداشتی و آموزشی و درمانی برای انسانها داشته است، اما در عین حال آثار و تبعات منفی نیز داشته است. ادامه این گسترش بی رویه، زندگی در شهرها با چالش و مسائل تازه ای روبرو ساخته است. دامنه تبعات منفی شهرنشینی طیف وسیعی از پیامدهای زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و روحی - روانی را در برمی گیرد. در این راستا محله های شهری به شدت دچار دگرگونی شده اند. مقاله حاضر بخشی از این دگرگونی ها را مورد بررسی قرار می دهد.

طرح مسأله، اهمیت و ضرورت موضوع

محله های شهری از دیرباز عنوان عرصه های کالبدی و اجتماعی در شهرهای ایران مطرح بوده و بعنوان اجزای عملکردی و جغرافیایی شهرها به شمار می آمدند که نقش اساسی در حیات اجتماعی شهرها داشته اند. محله های شهری به مرور زمان شکل می گرفته و جای خود را در شهر باز می کردند. شهر از مجموع این محله های منسجم تشکیل می شد. هر یک از محله ها تمامی تأسیسات و تجهیزات اولیه مورد نیاز ساکنین خود اعم از بازارچه، آب انبار، مسجد، گرمابه و... را در برداشت. شبکه راههای ارتباطی محله نیز از سلسله مراتبی برخوردار بوده و ارتباط

فضاهای مختلف محله را با هم برقرار می کرد. امور محله ها از طریق یک سیستم خودیار و بدون نیاز به تشکیلات عریض و طویل مدیریتی اداره می شد و به دلیل وجود حس همبستگی قوی و اعتماد در بین ساکنان، کلیه امور محله رتق و فتق می شد. در نظام محله ای سنتی انواع ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بصورت خودجوش شکل گرفته و مسائل مختلف محله مانند فعالیت های مذهبی، برقراری امنیت، آموزش، تقسیم آب، احداث اماکن و تاسیسات عمومی همچون حمام، آب انبار و غیره را هدایت می کرد.

لیکن ساختار محله های شهری از اوایل قرن بیستم دگرگون شده و خصوصاً در چند دهه گذشته به شدت تغییر یافته است. در مقطع یاد شده علاوه بر دگرگونی بسیاری که در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در جهان و به تبع آن در ایران به وقوع پیوست، گسترش شتابان شهرنشینی همراه با رواج مدرنیسم نیز به نوبه خود اثر عمده ای در تغییر و تحول ساختار و عملکرد محله های شهری برجای گذاشت. نظام سنتی محله ای از هم پاشید بدون آنکه نظام جدید بصورت کامل جایگزین آن شود. با تاسیس نهاد های مدیریت شهری دولتی، مدیریت از بالا به پایین و متمرکز جایگزین سیستم مدیریت محله ای گردید. در این سیستم، ساکنین محله ها چندان دخالتی در اداره امور محله نداشته و همین موضوع به سرعت باعث ایجاد احساس بی هویتی و بی مسولیتی در آنان شد. بکارگیری ناقص اصول و ضوابط جدید مدیریت شهری از یک سو و سپردن مسولیت امور محله ها به افراد غیر محلی باعث بروز مشکلات فراوان در محله ها شد. در سالهای اخیر در جستجو برای یافتن سازوکارها و شیوه های حل مسائل محله ها، مباحث متعددی مانند توسعه محله ای، مشارکت محلی، توسعه پایدار محله محور و... در ادبیات علوم مربوط به شهر مطرح شده اند. با پذیرفتن این واقعیت که سبک کنونی زندگی در شهرها با سبک سنتی آن تفاوت بسیاری نموده و محله ها تحولات بسیاری به خود دیده اند، این سئوالات مطرح اند که آثار این تحول و دگرگونی چه بخش هایی از محله را درگیر نموده است؟ محله های جدید به لحاظ ساختار عملکردی چه تفاوتی با محله های سنتی دارد؟ همچنین با وجود گرایش های مطرح در سالهای اخیر موسوم به «محله گرایی»، «محله محوری»، «توسعه محله ای» آیا می توان انطباقی بین محله در شکل سنتی آن با محله در شکل جدید آن داشت؟ یا الزامات کنونی زندگی در شهرها، ضرورت بازنگری در برخی مفاهیم و اندیشه ها را می طلبد؟

روش بررسی

این پژوهش دارای ماهیتی توصیفی و تحلیلی است و گردآوری اطلاعات آن عمدتاً مبتنی بر روش کتابخانه ای و اسنادی است. بدین منظور با بهره گیری از کتب، مقالات و سایر اسناد موجود داخلی و خارجی مرتبط با موضوع، اطلاعات مورد نیاز گردآوری گردیده است. همچنین با توجه به اینکه موضوع این مقاله محله های شهری ایران را عموماً مورد هدف قرار داده لذا محدوده مکانی خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است لیکن مستندات و شواهد ارائه شده در آن عمدتاً ناظر بر محله های شهرهای بزرگ، خصوصاً شهر تهران و برخی شهرهای کوچک است.

تعاریف محله

همانند دیگر مفاهیم مرتبط با شهر، در تعریف محله نیز تنوع زیادی به چشم می خورد. این موضوع ناشی از تلاش رشته های مختلف در تعریف این مقوله است. تعاریف ارائه شده توسط متخصصین مختلف دارای وجوه اشتراک و افتراق است. اغلب این متخصصین در تعریف خود یا بر عوامل کالبدی و فیزیکی محله و یا بر عوامل اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده اند، البته این موضوع ناشی از ماهیت خود محله است که ماهیت اجتماعی و کالبدی را توأمأ دارد. از طرفی " مفهوم محله در هر کشوری تعریفی خاص دارد بعنوان نمونه در کشور مراکش محله کمتر مفهوم اداری یا تجاری دارد بلکه بیشتر مفهومی سمبلیک است " (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۵۶). برخی دشوار بودن تعریف محله را ناشی از انتزاعی بودن مفهوم محله می دانند. به نظر آنان محله مفهومی انتزاعی است که ریشه در رفتار مردم دارند در ساختمانها و خیابانها. (کهرم، ۱۳۸۳: ۱۸). علاوه بر تعدد تعریف محله از منظر رشته های مختلف، مفهوم محله از دیدگاه محققین غربی نیز با دیدگاه محققین ایرانی تفاوتهایی دارد. نگاه برخی از محققین غربی به این مقوله عمدتاً معطوف به بافت های حاشیه ای و مهاجرنشین است در حالیکه نگاه ایرانیان به مفهوم محله، عمدتاً به بافت های قدیمی موجود در بدنه شهرهاست. محققین ایرانی در بافت های اجتماعی محله ها الزاماً عناصر ضعیف یا حاشیه ای اجتماعی را نمی بینند در حالیکه از دید غربی ها محله ها عموماً شامل بخش های ضعیف و حاشیه ای شهرها می شوند که اغلب محل سکونت مهاجرین هستند. محله سیاهان (هارلم) در نیویورک، محله پورتوریکوئی ها در شیکاگو، محله ترک نشین

در برلین، محله چینی ها در شهرهای کانادا مصادیقی از این نوع نگرش به مفهوم محله است. همچنین مفاهیمی که تاکنون توسط ایرانیها از محله بیان شده بیشتر جنبه توصیفی داشته و در موارد معدودی محصول مطالعات میدانی و موردی آنها بوده است. به نظر کوین لینچ محله قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یكدست و مشابه باشد (لینچ، ۱۳۷۴ : ۱۲۳). این خصوصیات را که در سراسر محله ادامه می یابند و هر کجا که محله پایان می یابد، قطع می شوند، می توان در پاره ای از عوامل محله مجسم دید هراندازه که این وجوه تشابه بیشتر باشد محله وحدت بیشتری می یابد (منبع پیشین : ۱۹۰-۱۸۹). در تعریفی دیگر که باروخ ایرانی محله سازگاری بیشتری دارد، محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می آید محله، متشکل از خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیائی خاص است و خانواده ها نسبت به محله خود همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و مانوس می یابند. (شکویی، ۱۳۷۲ : ۵۰-۴۸)، برخی محله ها را واحدهای فضایی مشخصی می دانند که محدوده آنها تنها بوسیله ساکنان آن درک می شود. مردم از طریق استقرار در این محله ها با هم ارتباط برقرار کرده و هویت مشترک می یابند (تولایی، ۱۳۷۱ : ۹۵).

برخی معتقدند که در یک محله شهری، ادغام عناصر مختلف محیطی و اجتماعی در یکدیگر منجر به تولید ساختار فضایی می گردد که طی آن شبکه فعالیت ها، عملکردها و تنظیمات جمعی هویت قابل شناسایی و بطور نسبی مستقلی را پیدا می کند (موسوی، ۱۳۸۶ : ۲۳). تاملینسون نیز برای تشکیل یک محله شهری ۳ شرط را لازم می داند که عبارتند از: دارا بودن یک حوزه جغرافیائی از شهر با وسعت کم یا زیاد، تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر و وابستگی میان گروه مذکور (Tomlinson -1969-p:181) در فرهنگ جغرافیای انسانی، محله بعنوان بخشی از یک ناحیه شهری است که در آن روابط چهره به چهره حاکم است. محله یک اجتماع محدود شده از نظر فضایی است که اغلب افراد غیر محلی آن را سریع تر از ساکنانش درک می کنند (Johnston & et al -2001).

واقعیت این است که محله مفهومی است که نه صرفاً بر ملاک های کالبدی و بصری مبتنی است و نه صرفاً بر ملاک های اجتماعی بلکه هر دو این ملاک ها در ادراک و فهم این مقوله مؤثر

هستند. به همان اندازه که نوع مسکن یا بافت کالبدی یک محدوده از شهر، آن را از سایر محدوده ها مجزا می نماید، نوع ارتباطات، روابط اجتماعی، نوع مشاغل، زبان، قومیت و حتی به گفته کوین لینچ (۱۳۷۴) «سروصدای موجود در یک بخش از شهر» نیز به درک مفهوم محله کمک می نماید. در تعریفی دیگر مفهوم محله شهری به این شرح آمده است: «یک محله شهری رامی توان اجتماعی دارای وحدت از نظر کالبدی و فضایی و برخوردار از استقلال نسبی از نظر عملکردی دانست که گروهی متجانس از مردم، خانه های آنها و مراکز تأمین خدمات اولیه زندگی آنها را در خود جای داده است و تشابهات فرهنگی موجود در آن که مبتنی بر عواملی چون دین، مذهب، قومیت، زبان، شغل و ... هستند به حیات روزمره، اندیشه ها و فعالیت های ساکنین آن نظم می بخشد و سبب شکل گیری روابط اجتماعی چهره به چهره و سازمان مدیریتی برخاسته از میان اهالی محله می شود. (بصیرت، ۱۳۸۴: ۲۵).

به نظر می رسد در مفهوم سنتی، محله قسمتی از شهر است که ساکنین آن بر اساس اشتراکاتی همچون اشتراک زبانی، قومی، دینی، مذهبی، صنفی و پیشه ای گرد هم آمده و اجتماعی منسجم و همگن را تشکیل می دهند، محله های سنتی به لحاظ عملکردی از استقلال نسبی برخوردار بودند. اما در مفهوم امروزی محله های شهری، اشتراکات مذکور تا حدود زیادی اهمیت خود را از دست داده و اشتراک در توان مالی و در مورد محله های مسکن کارمندی، اشتراک شغلی، باعث همجواری و نه همسایگی ساکنین در محله ها می گردد. در چنین محله هایی به دلیل فقدان اشتراکات عمیق و ریشه دار میان ساکنین، احساس تعلق مکانی و انسجام اجتماعی بسیار ضعیف بوده و تضمینی برای سکونت طولانی مدت ساکنین در محله وجود ندارد.

علل شکل گیری محله های شهری

شکل گیری محله ها در ایران و یا آنچه که در زبان انگلیسی Quarter، در زبان فرانسوی Quartier و در زبان آلمانی Viertel خوانده می شود و در برخی کشورها با عنوان واحدهای همسایگی (Neighborhood Units) شناخته می شود، علل گوناگون دارد. در ایران این عرصه ها با توجه به تفاوت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی از همدیگر مجزا گردیده و شهرها آرام آرام شاهد شکل گیری محله هایی با مظاهر کالبدی متفاوت، بافت فرهنگی و اجتماعی متفاوت و با نامهای مختلف بوده اند. بررسی عوامل اثرگذار در شکل گیری محله های شهری، از این

حیث دارای اهمیت است که آنچه باعث شکل‌گیری، قوام و یکپارچگی و انسجام محله‌ها می‌شده، وجود نوعی همبستگی و اتحاد (هرچند غیر رسمی) در میان افراد محله بوده است که این اتحاد و همبستگی نقش مهمی در حمایت هم محله‌ای‌ها از هم‌دیگر، تعاون و همکاری و مشارکت بین آنها در امور محله داشته است. بر خلاف روزگاران پیشین، آنچه که امروزه در محله‌های شهری شاهدیم نوعی واگرایی و احساس بیگانگی افراد محله نسبت به هم‌دیگر است.

ذکر این نکته ضروری است که علیرغم اتحاد درونی در محله‌ها، در طول تاریخ برخی از این محله‌ها در تقابل و تضاد با یکدیگر قرار داشته و این موضوع گاه و بی‌گاه باعث نزاع و کشمکش میان محله‌های مختلف، با خاستگاه‌های متفاوت را باعث می‌شده است. «حیات محله‌ای استوار بر افتراق میان گروه‌های قومی، مذهبی و اجتماعی کمتر اجازه می‌داد هویت اجتماعی مبتنی بر کلیت شهر، بر ساکنان آن حکمفرما شود در این میان حاکمان شهری نیز با استفاده از این ویژگی شهرها و با دامن زدن به اختلافات میان محله‌ها، استمرار حاکمیت خود را برای داوری و برقراری تعادل میان گروه‌های ستیزه‌جو تضمین می‌کردند» (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۲). بی‌جهت نیست که حبیبی در کتاب «از شار تا شهر» اصطلاح «محلات درستیز» را به کار می‌برد و اشاره می‌نماید که ارتباط محله با سازمان عشیره‌ای خود بسیار بیشتر از رابطه آن با محلات مجاورش بود (حبیبی، ۱۳۷۵: ۴۹). به این ترتیب، اشتراکات درونی و خود بسندگی محله‌ها، احساسات درون‌گرایی محله‌ها را تقویت می‌کرد. «هر محله برای اعضای خود یک گروه بسته یا نوعی گروه خودی بود و محلات دیگر برای آنان گروه بیگانه به شمار می‌رفتند.» (توسلی، ۱۳۸۱: ۱۱۵-۱۱۴) همه سیاحان دوره صفویه نمونه‌ای از تخاصم دو محله حیدری و نعمتی در شهر اصفهان را که همواره بر سر مسائل جزئی به جنگ و جدال و خونریزی می‌پرداختند، مطالبی ذکر کرده‌اند. (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۱۵۷).

عوامل مختلفی در شکل‌گیری محله‌های شهری و تجمع گروه‌های اجتماعی هم‌سنخ، در محدوده محله‌ای نقش داشته‌اند. همبستگی‌های خانوادگی، صنفی و یا قومی باعث ایجاد همگرایی در عرصه‌های محله‌ای شده و اینان برای شکل‌دادن و هدایت سرنوشت زندگی خویش، ناگزیر به تحکیم وحدت و برقراری روابط همجواری می‌شدند. این وحدت، آنها را به نوعی همبستگی و انسجام اجتماعی در مقابل بیگانگان و ادارمی ساخت. در شهرهای صنعتی و بازرگانی ایران که پیشه‌وران مختلف در آن فعالیت داشتند، گاه به دلیل تعلقات صنفی و منافع

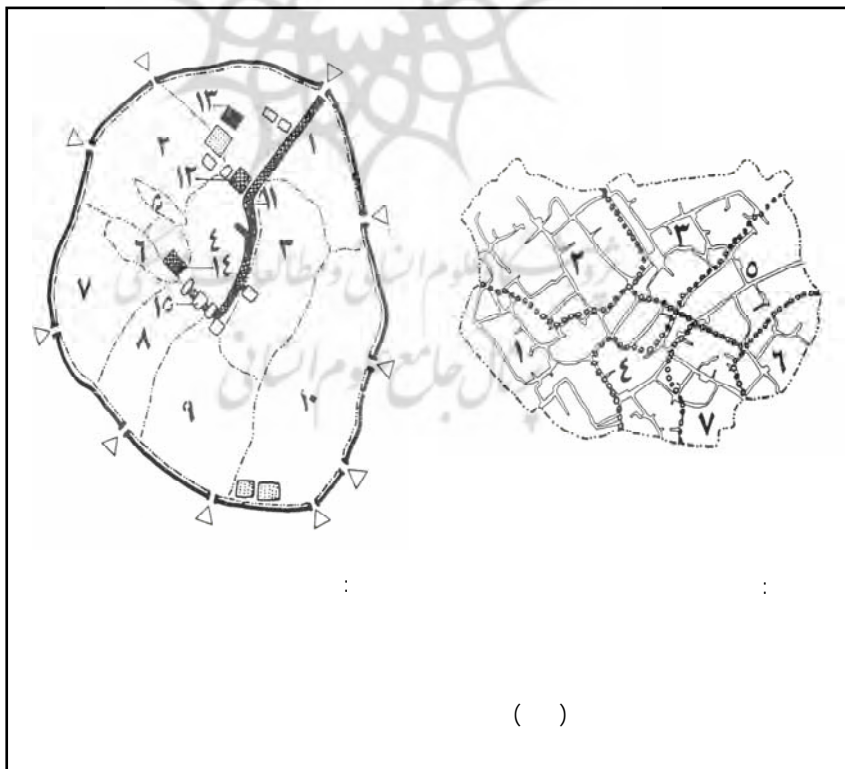
مشترک صاحبان یک یا چند حرفه در یک محله ساکن می شدند و چه بسا که آن محله بنام صاحبان پیشه خاص نامیده می شد. مانند محله های سراجان، کفشگران، نساجان در برخی شهرهای قدیمی. (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۲۳۶ و ۲۳۸) به همین ترتیب از محله های کلاه دوزان و ساریبانان در اصفهان، شعر بافان در یزد، عبا بافان در محمدیه نائین و قاشق تراشان در همدان یاد شده است (توسلی، ۱۳۸۱: ۹). در یک طبقه بندی دیگر عواملی از قبیل سهولت در اداره شهر، جدایی گزینی دینی و مذهبی، طبقاتی، نظامی، سیاسی نیز در پیدایش و شکل گیری محله ها مورد تاکید قرار گرفته است. در همین حال نقش عوامل طبیعی مانند رودخانه ویا تپه ای که بخشی از شهر را بعنوان یک محله از محله های دیگر متمایز می کرده را نباید نادیده گرفت (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۳۲۰ به نقل از پاپلی یزدی).

گذشته از اینها وجه تسمیه برخی از محله ها متناسب با حضور شخصیت سرشناس یا عملکردی خاص و یا احداث بنایی ویژه انتخاب می شد. مانند محله "فهادان" که بنام شیخ احمد فهادان از عرفای نامی یزد نامگذاری شده ویا محله "کوشک نو" که نام خود را از قصری جدید در محله گرفته است همچنین محله "آب بخشان" در شهر زواره که نام آن از عملکرد آن (تقسیم آب بین محله های مختلف) گرفته شده است. همچنین نام بعضی از محله ها نیز از زیارتگاه یا مقبره امامزاده ای که در آن محله مدفون شده اند گرفته شده است. مانند محله های امامزاده طاهرو امامزاده منصور در کاشان. (پیشین: ۱۰) نمونه هایی از الگوی محله بندی در شهرهای پایین و شیراز در نقشه شماره (۱) نشان داده شده است.

باید یاد آور شد که این قانونمندی ها و ضوابط در همه شهرها به یک شکل عمل نمی کنند. در شهرهای بزرگ نقش عوامل دینی، مذهبی و قومی برای جدایی گزینی محله ها به مراتب بیشتر بوده تا در شهرهای کوچک تر. (نقشه شماره ۲) در شهرهای کوچک به دلیل قرابت فرهنگی بیشتر در میان مردم، ضوابط دیگری چون پیشه، مبدا مهاجران و یا افراد سرشناس و رهبران بانفوذ و یا نشانه های جغرافیائی، ملاک نامگذاری محله ها قرار می گرفتند مانند محله های زرگرها، دولت آباد (محله ای که ساکنانش از روستایی به همین نام آمده اند) و محله "آقا" (رهبر مذهبی)، محله ارگ، محله حمام حکیم، محله سرده در سبزوار. علاوه بر موارد یاد شده تقسیم شهرها به محله های متعدد نقش اساسی در اداره اموری چون کنترل وضع مالیات و سایر امور شهری مثل مدیریت بهتر در امور مربوط به آب داشته است (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۸-۱۰۶).

بدیهی است که بکارگیری ضوابط نامگذاری و یا شکل‌گیری محله‌ها در مناطق جغرافیایی مختلف نیز با هم تفاوت داشته است. در برخی منابع، از تمایز محله‌های شهری به خاطر ویژگی‌های مذهبی-عرفانی (کرد)، تاریخی-مدنی استوار بر تعلقات خانوادگی (نائین)، شرایط جغرافیایی-طبیعی و عوامل آبیاری-کشاورزی (سمنان) و شاخص‌های تاریخی-شهرسازی و مذهبی-نژادی (تهران، یزد، میمند) یاد شده است (فلامکی، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۶۸). در مواردی نیز اتفاق می‌افتاد دهی در نزدیکی شهری، در اثر توسعه و آبادانی بتدریج بصورت یکی از محلات شهر درمی‌آمد. چنانکه محله «جوزدان» در اصفهان قبلاً دهی بود که در اثر توسعه به شهر پیوسته و جز یکی از محلات آن شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۵۵). شهر تهران مصداق بسیار روشنی از این نوع شکل‌گیری محله می‌باشد. براساس بررسی‌های جامعی که نظریان در سال ۱۳۷۰ در مورد گسترش فضایی تهران انجام داده است، «۱۰۸ آبادی در یک

() :



پروسه ۲۵ ساله [از سال ۱۳۳۵ تا حدود سال ۱۳۶۰] در داخل محدوده ۲۵ ساله فعلی تهران قرار گرفته و یا در آن ادغام شده اند» (نظریان، ۱۳۷۰: ۱۰۱) محله های سوهانک، شیان، مبارک آباد، کاشانک، رستم آباد، چاله هرز، ازگل، اراج، قنات کوثر، طرشت، وصف نار، شمس آباد، پونک، ونک، سولقان، مراد آباد و... نمونه هایی از محله های شهر تهران هستند که قبلاً آبادی هایی با همین نام ها در اطراف شهر تهران بوده ولی به سبب گسترش فضایی شهر در محدوده بافت شهری تهران قرار گرفته اند.

مروری بر روند پیدایش و تحول محله از دوران باستان تا کنون محله در دوران باستان

محله های شهری در ایران پیشینه ای به قدمت تقریبی شهرنشینی دارند. اما به علت در دست نبودن اسناد و منابع کافی، شناخت کامل ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و از جمله محله های شهری دوره باستان امکان پذیر نیست. ورجاوند معتقد است «بخش عظیمی از دستاوردهای تمدن سکونت در این مملکت از نظرها پنهان مانده است. اگرچه تاریخ سکونت در ایران به بیش از ده هزار سال می رسد.» (ورجاوند، ۱۳۷۰: ۴۵). برخی معتقدند شیوه زیست شهری در ایران مبتنی بر هویت محله ای بوده است. برخلاف شهرهای اروپایی که ساکنان شهر احساس نزدیکی و تعلق به جامعه شهری فراتر از مرزهای محله ای داشتند، در شهرهای شرقی و ایرانی، محله های شهری متعدد، عامل همبستگی اجتماعی میان افراد بودند (کوثری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۷).

روند شتابان شهرنشینی در برخی از کشورهای باستانی و تاریخی در چند دهه اخیر، که از آن بعنوان "شهرنشینی دوره اضطرار" یاد می شود، فرصتی برای بررسی پیشینه و ساختار محله ای شهرهای قدیمی باقی نگذاشته است. شهرهای تاریخی ایران نیز تاکنون از منظر باستانشناسی و فیزیوگنومی مورد مطالعه قرار گرفته اند. اغلب آثار بجا مانده از دوران باستان مربوط به کاخ ها و بناهای حکومتی است و اطلاعات چندانی از حیات اجتماعی آن دوران به دست نمی دهد. بر اساس برخی منابع، طبقه خراجگزار ساکن در شهرها بر اساس اصالت خانوادگی و پیشه در محله های شهر استقرار می یافتند. (کوثری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۲).

پیگلسکایا نیز اشاره می نماید که «کوی ها و خیابانها به نام حرفه ها و پیشه های معین نامیده می شدند» (پیگلسکایا، ۱۳۷۷: ۶۳).

محله پس از ورود اسلام به ایران

با ورود اسلام به ایران و سقوط سلسله ساسانی، شهرنشینی مرحله جدیدی از حیات خود را آغاز نمود. ورود قوانین اسلامی به زندگی شهرنشینان، تغییر شکل کالبدی شهرها در اثر احداث عناصری چون مساجد و شکل‌گیری محله‌های شهری بر اساس همبستگی مذهبی را می‌توان از خصیصه‌های حیات شهری این دوره به شمار آورد. (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۲-۱۱) شهر اسلامی را می‌توان نظامی تصویر کرد که خرده‌نظام‌های فرعی تشکیل‌دهنده آن، محله‌ها بودند. (کوثری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۴ و ۴۸) نکته مهم این دوران این است که مجموعه محلات شهری بدون هیچ برتری قومی، مذهبی، نژادی بر اطراف مجموعه مرکزی و بازار گسترده می‌شوند. (حبیبی، ۱۳۷۵: ۷۱). در شهرهای سرزمین‌های اسلامی محله‌ها دارای کارکردهای گوناگونی بودند. در بررسی که شیخی درباره محله انجام داده است به برخی از این کارکردها اشاره نموده که شاید بتوان مهمترین کارکردهای نظام محله‌ای در سرزمینهای یاد شده را در موارد زیر خلاصه کرد:

الف- پاسخگویی به نیاز هویتی جدید در جمع بزرگ شهر بر اساس یکی از شاخص‌های مطرح مانند شاخص‌های قومی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و یا فرهنگی. ب- توجه به نیازهای روحی و روانی ناشی از خلاء هویتی مهاجران. ج- برقراری امنیت و کنترل محله‌ها با مشارکت مردم. د- رعایت حقوق اقلیت‌ها در مجموعه شهری (پرداخت مالیاتی موسوم به «جزیه» که گاه کمتر از مالیات بر مسلمانان بود، آزادی در انجام دادن آداب و مراسم مذهبی). ه- پر کردن خلاء دیوانسالاری شهری از طریق نهادهای غیر رسمی و مردمی (شیخی، ۱۳۸۲: ۶۱-۵۸).

علیرغم اشاره شیخی به نبود تشکیلات رسمی مردمی در شهرها، در برخی منابع از شکوفایی انجمن‌های صنفی، سازماندهی صنوف (حتی صنف رقااصان و گدایان) در قرن چهارم هجری یاد شده است (حبیبی، ۱۳۷۵: ۷۱-۶۹). این وضعیت با افت و خیزهایی تا اواخر قرن ششم ادامه می‌یابد. لیکن با حمله تیمور گورکانی مجدداً شهرنشینی و تمدن شهری رو به افول می‌گذارد.

تحولات محله در دوره صفویه

در این دوره یک سلسله اقدامات عمرانی به منظور حذف آثار خرابی ها و ویرانی های دوره مغول و تیموری در شهرها صورت گرفت. در شهرهای دوره صفویه جدائی گزینی اجتماعی شهرنشینان محله های مختلفی را ایجاد نمود. بعنوان مثال می توان از محله های مسلمان نشین و یهودی نشین و محله دولتمردان و دولتمندان و محله آرامنه و زرتشتی ها در شهر اصفهان نام برد. (حبیبی، ۱۳۷۵: ۹۶) از دوره صفویه تا قاجاریه هر محله دارای بازارچه و میدانچه ای بود که تأسیسات عمومی شهر نیز مانند سقاخانه، مسجد و گرمابه در آن قرار داشت. (شیعه، ۱۳۷۸: ۲۰۶).

با انقراض سلسله صفویه و از بین رفتن حکومت قدرتمند مرکزی در اثر تهاجم افغان ها، و رواج مجدد ملوک الطوائفی در ایران، شهرنشینی رو به زوال رفت و قدرت از درون شهرها به مناطق خان نشین و چادرنشین منتقل شد. در زمان حکومت نادرشاه افشار، به دلیل تحمیل هزینه های سنگین جنگ ها و لشکرکشی های وی، زمینه ای برای احیاء شهرنشینی و به تبع آن محله های شهری ایجاد نگردید. در دوره زندیه نیز تنها در عهد کریم خان زند، اقدامات سودمندی برای آبادانی شهرها، احیاء شبکه های آبیاری، تجدید صنایع و توسعه تجارت خارجی انجام شد. (نظریان، ۱۳۷۴: ۴۵) در مجموع به دلیل منازعات فراوان و دوره کوتاه حکومت سلسله های حاکم بر ایران از سقوط صفویه تا روی کار آمدن قاجاریه، ویژگی خاصی برای بدنه محله های شهری نمی توان تعریف کرد.

تحولات محله در دوره قاجاریه

در این دوره گسترش محله ها از طریق رشد محله های قدیمی صورت می گرفت و محله های جدید تابعی از محله های قبلی بود. در شهر تهران علیرغم اینکه حصار و برج و باروهای صفوی فرو ریخت لیکن محله ها همچنان فرم سنتی خود را با همان خصوصیات کالبدی حفظ کردند (تحصیلدار و فرناق، ۱۳۷۲: ۸۸). در این دوره "بازار کماکان لولای اصلی و ستون فقرات شهر است. دسترسی های جدا شده از بازار در مرکز محله ها یکدیگر را تلاقی می کنند و محلات بعنوان مکانی نیمه مستقل در دل شهر به حیات خود ادامه می دهند." (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۲۱) علیرغم حفظ سازمان فضایی محله های کهن، محله های جدید خود را در کنار خیابانهای تازه

احداث شده شکل می بخشند و سعی دارند خدمات مورد نیازشان را نه در درون ، بلکه در حاشیه خودشان جستجو نمایند. خیابان در مفهوم جدید خود چنین امکانی را برای محله ها فراهم می آورد. (منبع پیشین : ۱۳۰).

تحولات محله در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ خورشیدی)

وقوع انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ سپس تشکیل دولت اقتدارگرا و شبه مدرن پهلوی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی باعث تحولات بسیاری در زندگی شهری گردید. «مشروطیت را می توان مهمترین چالش اجتماعی در تاریخ معاصر ایران به شمار آورد که پیامدهای آن در هدایت و جهت گیری توسعه شهری بیش از هر عامل دیگری اثر گذاشته است.» (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۳ : ۵۱)، اساساً شهر نماد مدرنیته و نوگرایی به شمار می رفت لذا برنامه های دولت شبه مدرن پهلوی بر توجه به شهرها و ایجاد تحولات ساختاری در آنها متمرکز گردید. در دوره رضاخان با تغییر شکل روابط اجتماعی و کاسته شدن از اهمیت عواملی مانند محرمیت و خویشاوندی و پیدایش شهرنشینی به سبک غربی و رشد ماشینیزم، «بافت محله ها نیز تغییر کرده و از فرم بسته و فشرده به فضاهای شهری با تقسیم بندی مشخص تر و بازتر تغییر شکل دادند .» (زندگی و اشرفیان، ۱۳۶۴ : ۵۷-۴۷) با ورود تکنولوژی و خصوصاً رواج استفاده از اتومبیل، سیمای شهر و محلات آن تغییر کرد، شهر کم کم از فرم ارگانیک خود با کوچه های پرپیچ و خم و غیرهندسی خارج گردید و خیابانهای منظم و شطرنجی جایگزین آن شد. «در این دوره اغلب شهرها مهر پهلوی را که عبارت از دو خیابان متقاطع با یک میدان در وسط آن بود به چهره خود یافتند.» (نظریان، ۱۳۷۴ : ۶۶) با تصویب قوانینی همچون قانون بلدییه (۱۳۰۹)، قانون تعریض و توسعه معابر (۱۳۱۲)، ابزارهای قانونی برای اجرای تغییرات کالبدی شهرنیز فراهم گردید. (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۳ : ۵۷) در واقع با تصویب قوانین مذکور و تقویت «بلدییه» با اعتبارات دولتی ، زمینه برای دخالت حکومت بر حیات شهری و تغییرات کالبدی و اجتماعی آن فراهم شده و بتدریج سازمان فضایی شهر و از جمله سازمان محله بندی شهر نیز از هم پاشید.

ادامه روند مدرنیته و تحول محله در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ خورشیدی)

تغییرات کالبدی و اجتماعی شهرها با تکیه بر اعتبارات دولتی که از زمان حکومت رضاشاه آغاز شده بود در دهه ۱۳۳۰ با روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و با افزایش درآمدهای دولتی ناشی از صدور نفت با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. در این دوره با گسترش ارتباطات و مناسبات ایران با کشورهای غربی، تغییرات زیادی در سبک زندگی ایرانیان خصوصاً شهرنشینان ایجاد گردید. با توجه به سرمایه گذاریهای خارجی در کشور زمینه رشد برخی صنایع فراهم شد. تغییر بردارهای اقتصادی کشور و تغییرات وسیع در ساخت اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی موجب تحرک اقتصادی در شهرها شده و بتدریج خانواده هایی که از شرایط مادی بهتر برخوردار شده بودند، تصمیم به ترک محله های قدیمی و سکونت در مناطق نوساز شهر گرفتند این امر موجب گردید تا محلات قدیمی و سنتی اعتبار و منزلت قبلی خود را از دست داده و محل سکونت افراد مهاجر یا طبقات کم درآمد شهر گردند. همچنین کارکرد سکونتی این محله ها نیز تا حدود زیادی تضعیف شده و به کاربری های دیگری از قبیل مسافرخانه ها، انبارها و کارگاهها اختصاص یافت.

« در دوره زمامداری دکتر مصدق، زمینهای موات متعلق به دولت شد و سه محله یوسف آباد، نارمک و نازی آباد شکل گرفت» (تکمیل همایون، ۱۳۸۲: ۷۶) برای اسکان اقشار جدید کارگروکارمند، کویها و شهرکهایی با بافت شطرنجی و طراحی شده در اطراف تهران احداث گردید که در سالهای بعد با گسترش فضایی شهر در بافت آن ادغام گردیدند. محله های چهارصد دستگاه، تهرانپارس، شهرآرا و تهران ویلا نمونه هایی از این شهرکها هستند. در دهه ۴۰ و ۵۰ نیز شهرک های جدیدی چون اکباتان، پیکانشهر، شهرک غرب، شهرک لویزان، کوی فرح آباد، کوی نهم آبان برای اسکان اقشار مختلف احداث شدند (میرمقتدایی، ۱۳۸۴: ۲۲۴). یکی دیگر از اشکال دگرگونی در شکل محله ها در این دوره، احداث مجتمع های مسکونی مرتفع می باشد. از جمله مجتمع های مرتفع احداث شده در این دوره می توان از ساختمانهای بهجت آباد، ایران سکن، پارک ساعی، اسکان و آ. اس. پ. نام برد. (زندى و اشرفیان، ۱۳۶۴: ۵۷-۴۷). گفتنی است در این دوره در حاشیه شهرهای بزرگ بویژه تهران برخی محله های غیررسمی و غیر قانونی نیز شکل گرفتند. که محل زندگی تهیدستان شهری بودند. « نام های این محله ها بر نحوه شکل گیری آنها گواهی می داد. مثلاً «مفت آباد» یعنی جائی که بدون هیچ هزینه ای ساخته شد»

زورآباد «یعنی جائی که به زور و اجبار ساخته شد.» «حلبی آباد» یعنی مساکنی که با ورقه های حلب ساخته شده و به همین ترتیب «حصیرآباد» یعنی مساکنی که با حصیر و برگه های خیزران ساخته شده باشند «(صمدی، ۱۳۷۳: ۵۹)».

تحولات محله های شهری پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تاکنون)

انقلاب اسلامی از منظر تحولات شهروشنشینی بطور عام و محله ها بطور خاص، نقطه عطفی در تحولات کالبدی و عملکردی، همچنین اقتصادی و اجتماعی جوامع شهری، بویژه محله ها بشمار می آید. در سالهای نخستین انقلاب بسیاری از ضوابط و آئین نامه های اجرایی لغو یا بی اعتبار شد (نظریان، ۱۳۷۰: ۱۱۵). از آنجاکه یکی از شعارهای اولیه اصلی انقلاب اسلامی تامین مسکن، بویژه در شهرها بود، دولت های پس از انقلاب کوشش کردند، با اجرای طرح های متعدد، امکانات و تسهیلات خانه دار شدن را برای شهروندان فراهم آورند. اجرای قانون زمین شهری و واگذاری زمینهای مازاد بر نیاز مالکان - که هنوز هم مشکلات حقوقی برخاسته از آن بر دوش نظام قضایی کشور سنگینی می کند - باعث توسعه سریع محله های جدید در حاشیه یا اراضی خالی درون شهرها شد. از آن گذشته اجرای طرح های آماده سازی در بیش از ۴۶۵ نقطه شهری کشور، به پیدایش نوع جدیدی از محله های شهری منجر شد که چه از نظر کالبد و چه خصوصیات اجتماعی و اقتصادی محله ها در ایران، پدیده جدیدی بشمار می آید. علاوه بر آن تصویب ساخت ۲۸ شهر جدید (زیاری، ۱۳۷۹: ۸۷) در کشور و اتمام و ساخت حدود نیمی از آنها، نوع جدیدی از شهرنشینی را بوجود آورد که مفهوم محله در آن جایگاهی نداشت.

چنانچه بخواهیم توسعه و تحول ساختارهای محله ای را در این دوران بر اساس مکانیزم و بردارهای تحول آنها ارزیابی کنیم، می توان اشکال و شیوه های زیر را در دگرگونی بدنه محله ها از یکدیگر متمایز کرد:

الف - ساخت محله های شهری در قالب شهرک های مختلف نوبنیاد که عمدتاً از طریق تعاونی های کارکنان سازمانها، وزارتخانه ها و نهادهای مختلف دولتی و یا صنفی دربند یا حاشیه شهرهای بزرگ انجام گرفت و بدین ترتیب، در منظر شهرهای موجود، عرصه های جدیدی بانام شهرک، ولی با عملکرد نسبی محله نسبت به نواحی همجوار بوجود آمد. این شهرکها از سویی دارای ویژگیهای محله ای، براساس برخی شاخص های بکاررفته در تعریف هستند و از سویی

دیگر فاقد عملکردهای سنتی مترتب بر تعریف محله می باشند. این شهرکها بیشتر عملکرد مسکونی و خوابگاهی دارند و از نظر خدمات کاملاً وابسته به بخش های دیگر شهر هستند چراکه الزامات شهرسازی جدید امکان احداث خدمات در شکل سنتی محله ها را محدود می سازند.

ب- اجرای عملیات آپارتمان سازی بر روی عرصه های ساختمانهای قدیمی و فرسوده در بافت محله های شهری، که عمدتاً توسط بخش خصوصی و در قالب نوعی سوداگری مسکن انجام گرفته و می گیرد و طی آن ساختمانهای قدیمی تخریب و بر روی آن بناهای جدید در شکل آپارتمانی احداث می شوند که در نهایت با افزایش تراکم کاربری و تراکم جمعیت و خانوار همراه بوده و اغلب به همجواری خانوارهایی منجر شده اند که هیچگونه سابقه آشنایی و یا همگنی با یکدیگر نداشته و به عبارتی همسایگان تصادفی جدیدی هستند، که به ضرورت زمان کنار هم جمع شده اند. در این کالبدها پارکینگ ها به طبقات همکف یا زیرزمین انتقال یافته و ضرایب تراکم ساختمانی، با اعمال تمهیدات مالی و توافق با شهرداریها بشدت افزایش یافته اند.

ج- بخش دیگری از تحولات محله ای که در شهرهای بزرگ و کوچک شاهد آن هستیم، تحول از طریق تغییر کاربری ها برای ارائه خدمات، بویژه خدمات فروش عمومی است. بدین ترتیب که با پیدایش محله های جدید و افزایش تراکم آنها در بدنه های جوامع شهری، تقاضا برای دریافت خدمات بیشتر شده و چه بسا که در کنار کاربری های مسکونی، کاربری های خدماتی و تجاری نیز بوجود آمده اند. تمرکز تعدادی از مغازه ها و انواع خدمات شهری، یادآور همان هسته های اولیه تجاری و خدماتی هستند که در بدنه محله های قدیمی شهرها وجود داشته اند. در این راستا نوعی منطقه بندی (Zoning) یا پیدایش مراکز خدماتی و فروش از قبیل ساختمان پزشکان، داروخانه ها، خواروبارفروشی ها، قصابی، نانواپی، میوه و تره بارفروشی و انواع اغذیه فروشی ها و رستوران ها به چشم می خورند که بیانگر یک دگرگونی بنیادی در ساختار محله ها به شمار می آیند.

روند چنین تحولاتی که در شهرها آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد، می رود که شهرها را با عملکرد مسلط خدماتی و تجاری به محل سودآوری بیشتر و کسب درآمد تبدیل سازد. در چنین شرایطی عملکرد مسکونی محله ها و شهرها، تحت الشعاع عملکرد تجاری و اقتصادی شهرها و محله ها قرار گرفته و انگیزه زیست و معیشت شهری قالب و الگوهای جدیدی به خود می گیرند که در گذشته، تنها در خیابانهای اصلی شهرها می شد آنها را مشاهده کرد. این

روند- که می توان آن را تداوم سوداگری در بدنه شهرها و محله های شهری ایران دانست- از دستاوردهای بلافصل انقلاب اسلامی و مهاجرت بی رویه به شهرهای بزرگ و متوسط و کوچک است.

سوداگری در هر شکل و شیوه ای که در شهرها حاکم بوده و هست، بر اساس اصل جدائی گزینی عملکردی در جغرافیای شهری ایران مکان و محل خاص خود را داشت که بازار نامیده می شود. این بازار مرکز اصلی تجارت و تامین کننده عمده کالاهای مورد نیاز شهرها است. در کنار آن ، با پیدایش مغازه های ویتیرینی در برخی خیابانهای اصلی، خرده فروشی ها و ارائه خدمات عمومی به خیابانهای اصلی شهرها منتقل شد و بدین ترتیب مرحله جدیدی از دگرگونی در ساختار سنتی محله ها بوجود آمد. بعبارت دیگر بخشی از محله ها که در کنار این خیابانهای اصلی قرار داشتند، به نوعی همجواری به کالبدهای خدماتی و تجاری تن در دادند. چرا که امتیازات و رفاهی که دسترسی به خدمات به ساکنین این محله ها ارائه می داد، بر سر و صدا و حتی آلودگیهای زیست محیطی آنها می چربید و به همین دلیل این دو عملکرد در بدنه محله ها یکدیگر را تحمل کرده و گاهی مکمل هم نیز بودند. لیکن کشانده شدن این عملکردها به درون بدنه محله های قدیمی رخداد جدیدی است که هنوز تبعات آن به درستی شناخته شده نیست. شاید بتوان گفت که احساس وابستگی به یک محله خاص آنچنان رنگ باخته که اتفاقات و تحولاتی که در آن صورت می گیرند با نوعی بی تفاوتی نیز همراه شده است. اینکه در این بی تفاوتی نوعی جبر تاریخی نقش دارد و یا اینکه عنصر شهروند و محله وند هویت و انگیزه تعلق خود را به محله از دست داده، کدامیک بعنوان عامل مهم تلقی می شوند، مستلزم بررسی های موردی و میدانی وسیعی است. اما آنچه در زندگی شهری امروزی نباید از آن غافل بود، درگیری عناصر شهری در دغدغه های فراوان روزمره زندگی شهری است. این دغدغه ها جایی برای اندیشیدن به محله و همبستگی های مترتب بر آن برای کسی باقی نمی گذارد.

شهرنشینی شتابان، مدرنیسم و آثار آن بر تغییرات ساختاری و عملکردی محله های شهری

همزمان با تحول و دگرگونی در شکل و ماهیت شهرنشینی، محله های شهری نیز که همچون سلول های تشکیل دهنده شهر بودند، متحول گردیده و شکل جدیدی به خود گرفتند. این تحولات هم در کالبد محله و هم در روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بطور کلی در همه مناسبات ساکنان محله انعکاس یافته است. محله های امروزی به گونه ای متحول شده اند که نه عناصر سازنده آنها (مرکز محله، شبکه ارتباطی و دسترسی ها، میدان ها، مساکن، تاسیسات محله)، ساختار و عملکرد قبلی خود را دارند و نه ساکنان محله در قالب همان چارچوب های سنتی با دیگر هم محله ای ها ارتباط برقرار می کنند. امروزه محله های شهری از عرصه هایی هستند که به میزان زیادی از مدرنیسم و به تبع آن تغییر سبک زندگی و مناسبات مختلف متأثر گردیده اند. البته برخلاف کشورهای توسعه یافته جهان، در کشورهای کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه مانند ایران، مدرنیسم همزمان با گسترش شهرنشینی شتابان عرضه گردیده و لذا مجال نهادینه شدن و دگرگونی در بنیادها و زمینه های ضروری و لازم رانداشته است. از این رو "شهرهای امروزی نه شهرهای دیروزاند با همان ویژگی های زمانی و سرزمینی، نه شهرهای تازه همخوان با اصول و مبانی و ضوابط شهرهای امروز." (ابراهیم زاده و نصیری، ۱۳۸۶: ۲۳۲) در واقع "فروپاشی روابط سنتی در جامعه و جایگزینی ناقص روابط سرمایه داری از مهمترین مشخصه های شهرنشینی در دهه های اخیر بوده است." (حسامیان، ۱۳۶۳: ۱۵)

تحول محله های شهری از دوران باستان تا کنون

دوران باستان	در زمان هخامنشیان و اشکانیان، قصر سلطنتی در مرکز شهر، سپس محله های درباری و پس از آن، محله های مسکونی و کوچه های شهر قرار داشت. در دوره ساسانیان نیز بخش مرکزی شهر شامل کهنه زو بخش نظامی بوده و در اطراف آن محله ها یا قسمت اصلی شهر (شارستان) قرار داشتند و بوسیله حصاری از کهنه زو جدا می گردیدند
پس از ورود اسلام به ایران	علیرغم نفی هرگونه قشر بندی اجتماعی بر مبنای قوم، نژاد، سنت و... در بدو تشکیل دولت اسلامی، گو اینکه دیگر از تشکیل محلات بر حسب نظام کاستی یا شهروندی خاص، خبری نیست ولی در مقابل با ایجاد محلاتی بر حسب مذهب، زبان، فرقه و... مواجه هستیم در برخی منابع از وجود دیوار در گرداگرد محله ها در این دوره یاد گردیده است
دوره صفویه	احداث تجهیزات و خدمات عمومی مانند مساجد، حمام ها، که قبلاً در مرکز شهرها استقرار می یافتند، به داخل محله ها کشیده شد. در این دوره گروه بندی های فرقه ای موجب تقسیم محله های برخی شهرها به دو بخش عمده نعمتی و حیدری شد
دوره قاجاریه	عوامل اصلی به وجود آورنده و جدا کننده محله ها از یکدیگر عوامل اجتماعی (اعتبار خانوادگی، دسته های عزاداری و...) بودند محله بعنوان مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی نقش بازی می کند. علیرغم حفظ سازمان فضایی محله های کهن، محله های جدید خود را در کنار خیابانهای تازه احداث شده شکل می بخشند. در این دوره گسترش محله ها از طریق رشد محله های قدیمی صورت گرفته و محله های جدید تابعی از محله های قبلی بود
دوره پهلوی اول	با تغییر شکل روابط اجتماعی و کاسته شدن از اهمیت عواملی مانند حریمیت و خویشاوندی و پیدایش شهرنشینی به سبک غربی و رشد ماشینیزم، بافت محله ها نیز تغییر شکل دادند. محلات جدید در مجاورت خیابانهای اصلی شکل گرفته و خیابانهای فرعی بافت آنها را بصورت شطرنجی از هم جدا کردند. از دیگر تحولات محله در این دوره از بین رفتن تقسیمات خرد محله بود شهر کم کم از فرم ارگانیک خود با کوچه های پرپیچ و خم و غیرهندسی خارج گردید و خیابانهای منظم و شطرنجی جایگزین آن شد با تصویب قوانینی، زمینه برای دخالت حکومت بر حیات شهری و تغییرات کالبدی و اجتماعی آن، از جمله سازمان محله بندی شهر فراهم شد
دوره پهلوی دوم	تغییر بردارهای اقتصادی کشور و تغییر در ساخت اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی شهرها موجب تحرک اقتصادی در شهرها و مهاجرت برخی خانواده ها از محله های قدیمی و سکونت در مناطق نوساز شهر شد لذا محلات قدیمی و سنتی اعتبار و منزلت قبلی خود را از دست داده و محل سکونت افراد مهاجر یا طبقات کم درآمد شهر شدند. در این دوره، احداث مجتمع های مسکونی مرتفع رایج شد و در واقع محله ها به جای گسترده شدن در سطح در ارتفاع گسترش یافتند همچنین در حاشیه شهرهای بزرگ بویژه تهران برخی محله های غیر رسمی و غیر قانونی نیز شکل گرفتند
دوره جمهوری اسلامی	الف - ساخت محله های شهری در قالب شهرک های مختلف نوبنیاد ب - اجرای عملیات آپارتمان سازی بر روی عرصه های ساختمانهای قدیمی و فرسوده در بافت محله های شهری، توسط بخش خصوصی ج - تحول محله ها از طریق تغییر کاربری اراضی برای ارائه خدمات، بویژه خدمات فروش عمومی

مأخذ: منابع شماره ۵، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲

چنانچه بخواهیم یک دسته بندی کلی از تغییر و تحولات محله متأثر از مدرنیسم و شهرنشینی شتابان داشته باشیم، مهمترین موارد آن به قرار زیر خواهند بود:

تحول کالبدی و کارکردی عناصر تشکیل دهنده ساختار محله (شبکه معابر، مرکز محله، تاسیسات محله، میادین، مساکن)

تغییر و تحول در روابط و مناسبات اجتماعی افراد ساکن در محله

تغییر و تحول در روابط و مناسبات اقتصادی افراد ساکن در محله

یکی از بارزترین وجوه تحول کالبدی محله های شهری، تحول "شبکه معابر" آن بود. ورود اتومبیل به نظام رفت و آمد شهری لزوم اصلاح شبکه دسترسی و خیابانهای محله ها را ضروری ساخت. از سوی دیگر ارائه خدمات زیربنایی همچون آب، برق (و بعدها گاز و تلفن) به منازل شهرنشینان، نیاز به توسعه و اصلاح شبکه گذرگاهی از حالت غیرهندسی سنتی به حالت منظم و هندسی داشت. "مرکز محله" نیز که قبلاً عمدتاً از عوامل فرهنگی مذهبی همچون مسجد و تکیه متاثر بود، در اثر تغییر سبک زندگی و افزایش روزافزون عرضه انواع کالاها، امروزه از عوامل تجاری و اقتصادی (مراکز خرید، پاساژها و مغازه ها) متاثر شده است. "تاسیسات محله" همچون گرمابه و آب انبار نیز کارکرد های سنتی خود را از دست داده اند. امروزه تمامی مساکن شهری از آب لوله کشی بهره مند بوده و تقریباً تمامی واحدهای مسکونی (حتی واحدهای ۳۵ متر مربعی) دارای حمام اختصاصی هستند. "میدان" و یا "میدانچه محله" که در محله های سنتی در محل تلاقی گذرگاه ها و معابر درونی محله شکل می گرفته و اغلب فرصت توقف و برخورد های چهره به چهره و تعاملات و حتی گذران اوقات فراغت اهل محل را فراهم می آورد امروزه چنین کارکردی ندارند چراکه در طرح های جدید شهری میادین اغلب در محل تقاطع خیابان های اصلی شهر پیش بینی شده اند که در این خیابانها اتومبیل ها با سرعت بسیار در حرکت اند و اساساً شهر ها بجای انسانها برای اتومبیل ها طراحی می شوند. در خیابانها و میادینی هم که مراکز خرید و واحدهای تجاری را در جداره خود جای داده اند، برخلاف بازارچه های محلات سنتی، عرضه انواع کالاها و لوازم لوکس و پر زرق و برق جایی برای تعاملات شهرنشینان نگذاشته و رهگذران و افراد پیاده اغلب مسحور تجسم فیزیکی خیره کننده این مکان ها هستند. "مساکن محله" هم که از عناصر اصلی تشکیل دهنده ساختار محله های شهری هستند، امروزه از نظر مساحت، سبک معماری، نوع مصالح ساختمانی و نوع طراحی با مساکن محله های قدیمی متفاوتند. همچنین به دلیل محدودیت اراضی شهری و عوامل دیگر، اغلب واحدهای مسکونی بجای سطح در ارتفاع گسترش می یابند.

گسترش روزافزون شهرنشینی و مدرنیسم دگرگونی بسیاری را در روابط و مناسبات اجتماعی شهرنشینان ایجاد کرده است. رواج ماشینیزم، پیشرفت های تکنیکی و بکارگیری انواع وسایل الکترونیکی و مدرن توسط شهروندان هرچند در عمل، آسایش و رفاه بسیاری برای آنان به ارمغان آورده است، اما از منظر روابط انسانی و اجتماعی، باعث تنزل کیفیت روابط اجتماعی گردیده و انواع مناسبات رسمی، غیرصمیمانه و مجازی را گسترش داده است. در محله های امروزی استفاده گسترده از امکاناتی مانند رادیو، تلویزیون، کامپیوتر، تلفن، شبکه اینترنت و... جایگزین مناسبات دوستانه، صمیمانه و حضوری شده است. تغییر مداوم بافت اجتماعی محله ها در اثر عواملی چون مهاجرت و سکونت بی دوام (کوتاه مدت) اهالی در محله، گسترش مناسبات سوداگرانه، افزایش تمایلات منفعت طلبانه و فردگرایانه و رقابت شدید برای دستیابی و بهره مندی از امکانات و خدمات بیشتر، محاسبات عقلانی و احتیاط در روابط فی مابین (داشتن روابط چند لایه) مضمون کلی زندگی در محله های کنونی شهری را تشکیل می دهد. متأسفانه در محله های امروزی شاهد فقدان اعتماد عمومی و افول بسیاری از ارزش های اخلاقی و انسانی هستیم. همچنین بر خلاف محله های سنتی - که توأمأ محل کار، سکونت، تفریح و انجام فعالیت های اجتماعی بوده اند - امروزه کارکرد سکونتی محله های شهری به کارکرد مسلط آنها تبدیل گردیده که این کارکرد نیز با توجه به تغییرات سبک زندگی، محدود شدن روابط همسایگی، عدم امنیت و در مجموع تمایل جمعیت به واگرایی، با کارکرد سکونتی محله های قدیمی بسیار متفاوت است.

نتیجه گیری

تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی رخ داده در چند دهه اخیر و اتکاء هر چه بیشتر دولت های شهر محور بر درآمد های نفتی و هزینه کردن بخش اعظم این درآمدها در شهرها، تضعیف بخش کشاورزی در مناطق روستائی و تقویت بخش های خدماتی و مبادلاتی در مناطق شهری، ایجاد و گسترش فضاهای جاذب در شهرها (مراکز تفریحی، مراکز خرید مدرن، مراکز فرهنگی - آموزشی مجهز و ...) جملگی باعث گردید تا شهرها در عرصه ملی با پویای قوی تری نسبت به روستاها ظاهر شده و مهاجرین زیادی را از مناطق روستائی به خود جلب نمایند. با ادامه روند مهاجرت از مناطق روستائی به شهر های بزرگ خصوصاً تهران، ترکیب و بافت جمعیت شهرها به شدت

دگرگون شده و اصطلاحاً " بافت کنگلومرایی " یافته است. در چنین شرایطی شکل گیری محله های شهری نه براساس تجانس های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی بلکه بر اساس توان اقتصادی افراد، تجانس شغلی (کوی ها و محله های مسکن کارمندی و کارگری) قرار گرفت. در واقع تعلق محله ای که قبلاً تابعی از فاکتورهای فرهنگی اجتماعی همچون قومیت، نژاد، زبان، فرقه، دین و مذهب و... بوده امروزه تابعی از فاکتورهای مادی و اقتصادی شده است. در شهرهای امروز خصوصاً کلانشهرهایی چون تهران، تجانس افراد به لحاظ تمکن مالی یا عدم تمکن مالی، عامل انتخاب محل سکونت و زندگی افراد است. سطح توان مالی شهرنشینان به تنها عامل همسایگی آنها مبدل شده است. اگر در گذشته اهالی محله ها به وجود شخصیت های فرهیخته یا فرهنگی محله خود افتخار می نمودند، امروزه عکس آن صادق است به این معنا که این مکان است که باعث مباحثات یا سرافکنندگی ساکنانش می گردد.

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی و یوسف نصیری - شهرنشینی شتابان، روندها و پیامدها - مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی - شماره ۲۳۷-۲۳۸-۱۳۸۶
۲. ایمانی جاجرمی، حسین- بررسی تحول مدیریت شهری در ایران، از رعیت نوازی تاشهروندمداری - مجموعه مقالات همایش بررسی وضعیت فرهنگی اجتماعی شهر تهران - مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران - ۱۳۸۵
۳. بصیرت، میثم- بازتولید محله در شهرهای تاریخی ایران بر پایه اصول نو شهرسازی، مورد پژوهی: شهر اصفهان - پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای - دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران - ۱۳۸۴
۴. پیگلوسکایا، ن - شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان - ترجمه عنایت الله رضا - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۷۷
۵. تحصیلدار، مهدی و حبیب فرناق - ضوابط و معیارهای تعیین محله شهری - پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی - دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران، ۷۲-۱۳۷۱
۶. تکمیل همایون، ناصر - طهران - دفتر پژوهش های فرهنگی - ۱۳۸۲
۷. توسلی، غلامعباس - جامعه شناسی شهری - انتشارات دانشگاه پیام نور - چاپ ششم - ۱۳۸۱
۸. توسلی، محمود - ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران - پیام - ۱۳۸۱
۹. تولایی، نوین - فضای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی - پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی - دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران - ۱۳۷۱
۱۰. حبیبی، سید محسن - از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکرو تاتر - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۵
۱۱. حسامیان، فرخ - شهرنشینی، مرحله گذار - در کتاب شهرنشینی در ایران - حسامیان و همکاران - انتشارات آگاه - ۱۳۶۳
۱۲. خیرآبادی، مسعود - شهرهای ایران - ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی - نشر نیکا - ۱۳۷۶
۱۳. ربانی، رسول - جامعه شناسی شهری - انتشارات دانشگاه اصفهان - ۱۳۸۵
۱۴. رهنمایی، محمد تقی و پروانه شاه حسینی - فرایند برنامه ریزی شهری ایران - سمت - ۱۳۸۳
۱۵. زندی، میترا و سیمین اشرفیان - سیر تحول مفهوم محله در تهران - پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی - دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران - ۱۳۶۴

۱۶. زیاری، کرامت الله - برنامه ریزی شهرهای جدید - سمت - چاپ دوم - ۱۳۷۹
۱۷. سلطانزاده، حسین - روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران - آگاه - ۱۳۶۲
۱۸. سلطانزاده، حسین - مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی - نشر آبی - ۱۳۶۵
۱۹. شکوئی، حسین - جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر - موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) - چاپ دوم - ۱۳۷۲
۲۰. شیخی، محمد - ساختار محله ای شهر در سرزمین های اسلامی - فصلنامه علوم اجتماعی - شماره ۳۹ - ۱۳۸۲
۲۱. شیعه، اسماعیل - با شهر و منطقه در ایران - انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران - ۱۳۷۸
۲۲. صمدی، محسن - مطالعه ای پیرامون تقسیمات شهری منطقه ای، بررسی موردی تهران - پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی - دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران - ۱۳۷۳
۲۳. فلامکی، منصور - باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی - انتشارات دانشگاه تهران - چاپ ششم - ۱۳۸۶
۲۴. کوثری، مسعود و همکاران - توسعه فرهنگی تهران (برنامه ریزی محلی) - مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران - ۱۳۸۶
۲۵. کهرم، اسماعیل - بازآفرینی باغهای سنتی ایرانی با مشارکت مردم محله ها - ویژه نامه همایش علمی کاربردی توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار تهران - شماره ۳ (میراث فرهنگی محله ای) - ۱۳۸۳
۲۶. کیانی، محمد یوسف - شهر های ایران - جلد دوم - انتشارات جهاد دانشگاهی - ۱۳۶۶
۲۷. لینچ، کوین - سیمای شهر - ترجمه منوچهر مزینی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۴
۲۸. مشهدیزاده دهقانی، ناصر - تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران - انتشارات دانشگاه علم صنعت ایران - چاپ دوم - ۱۳۷۴
۲۹. موسوی، سید یعقوب - مبانی شهری توسعه از نوع محله ای - مجموعه مقالات همایش محلات تهران، چالشها و راهبردها - مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران - ۱۳۸۶
۳۰. میرمقصدائی، مهتا - تدوین معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها (نمونه موردی تهران) - رساله دکتری شهرسازی - دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران - ۱۳۸۴
۳۱. نظریان، اصغر - گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک های اقماری - فصلنامه تحقیقات جغرافیایی - سال ششم شماره ۲۰ - معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی - ۱۳۷۰
۳۲. نظریان، اصغر - جغرافیای شهری ایران - انتشارات دانشگاه پیام نور - چاپ دوم - ۱۳۷۴

۳۳. ورجاوند، پرویز- شهرسازی و شهرنشینی در ایران- در کتاب شهرهای ایران- به کوشش محمد یوسف کیانی- جلد چهارم- جهاد دانشگاهی تهران - ۱۳۷۰

34. A.Kreimer, M. Arnold & A. Carlin – “Building Safer Cities :The Future of Disaster Risk “ Disaster Risk Management Series – No.3 – The World Bank – 2003
35. Johnston. R.J. & et al – “The Dictionary of Human Geography “– Blackwell Publishers – USA- 2001
36. Tomlinson. R. ”Urban Structure “ – Random Houss – New York- 1969

